1386، سال ایفای نقش روسیه در موضوع هسته ای ایران

شهابی، سهراب

با توجه به تحولات مربوط به موضوع هسته‏ای در ماه‏های‏ پایانی سال 1385،می‏توان سال 1386 را سالی پراهمیت و از بسیاری جهات تعیین کننده برای کشورمان دانست. چناچه سرانجام موضوع هسته‏ای ایران از طریق مذاکره به‏ نتیجه دلخواه برسد،بدون شک ایران،که هم‏اکنون از اعتبار و موقعیت برجسته‏ای در منطقه برخوردار است،خواهد توانست به سرعت به بازسازی اقتصاد خود پراخته،در جهت رشد اقتصادی در قالب سند چشم‏انداز و دستیابی‏ به رشد 8 درصد گام بردارد.بدین ترتیب جایگاه کشورمان‏ در منطقه و جهان تثبت خواهد شد.اما اگر غرب، به خصوص آمریکا،همچنان به دشمنی خود با ایران اصرار ورزد،هر روز در پی یافتن بهانه‏ای برای اعمال فشار بر نظام‏ جمهوری اسلامی ایران برآید،به سیاست یکجانبه و زورگویانه خود ادامه دهد،با تعیین شرایط و طفره رفتن از بررسی پیشنهادهایی همانند طرح آقای البرادعی،طرح‏ احتمالی سوئیس ونیز طرح گروهی از دیپلمات‏های آلمان‏ و سوئیس برای محدود ماندن غنی‏سازی و تحریم‏ها در سطح فعلی،مذاکره را غیر ممکن سازد و در عین حال‏ بکوشد به طور مداوم از طریق شورای امنیت،و با اعمال‏ تحریم‏های بیشتر،لشکرکشی به منطقه خلیج فارس و دیگر فشارهای نظامی و دیپلماتیک در منطقه،عراق،لبنان و انداختن تفرقه میان شیعه و سنی،جایگاه منطقه‏ای ایران را تضعیف کند،بحران همچنان ادامه خواهد یافت.البته نتیجه‏ منطقی تداوم بحران،تشدید فشارهای سیاسی و بین‏المللی‏ و افزایش مشکلات اقتصادی ایران نیز هست.

لذا چگونگی پیشبرد سیاست جمهوری اسلامی ایران در موضوع هسته‏ای در سال آینده از اهمیت ویژه‏ای برخوردار است.باید امیدوار بود همچون ماه‏های پایانی امسال بامتانت‏ و درایت از سوی مذاکره‏کننده اصلی و وزیر خارجه سابق‏ در وین و مسکو پی گرفته شود،کشورمان بر یافتن راه‏حل‏ از طریق مذاکره پای فشارد و حتی آمادگی خود را برای‏ راه‏حل‏های قابل قبول به صورت مستقیم و غیر مستقیم،و نیز رسمی و غیر رسمی اعلام دارد.

همچنان که می‏دانیم بیشتر کارشناسان حضور دکتر لاریجانی را در وین مثبت ارزیابی کرده‏اند و اظهار داشته‏اند که رفتار او در مذاکره با سولانا نشان‏دهنده تمایل ایران به‏ آغاز و نهائی کردن مذاکرات است.این متانت رفتاری،یعنی‏ پرهیز از حرکات و گفتارهای تحریک‏کننده،و اعلام آمادگی‏ برای مذاکره و تفاهم قابل قبول برای طرفین می‏تواند از شدت فشار علیه ایران،که به خصوص آمریکا از طریق‏ تصویب قطعنامه دوم در نیمه فروردین،خواستار آن است‏ بکاهد.

جز سیاست و تصمیم‏های ایران،که یکی از عوامل‏ اصلی و تعیین کننده در حل و فصل موضوع هسته‏ای است، شرایط جدید به چین و روسیه فرصت داده است که در نقش‏ بازیگران بزرگ بین‏المللی در موضوع وارد شوند.البته‏ نویسنده این سطور به دلایل گوناگون امید چندانی به ایفای‏ نقش موثر از سوی چین در موضوع هسته‏ای ایران ندارد.در واقع نقش چین،بیشتر کمکی است تا تعیین کننده.اما نقش‏ روسیه جدید درخور تأمل و توجه است،زیرا روسیه دلایل‏ خوبی دارد تا از سیاست‏های معتدل ایران و پیشنهادهای‏ سازنده برای مذاکره و تفاهم پشتیتانی و حتی در نهایت با استفاده از حق وتو از رسیدن بحران به نقطه بی‏برگشت‏ جلوگیری کند.روسیه کم و بیش در موضوع هسته‏ای ایران‏ درگیر و فعال است،چندان که به گفته برخی کارشناسان، پوتین در پیام ماه گذشته خود به ایران خواستار وقفه در روند غنی‏سازی (timeout) شده است.این پیشنهاد نشانه علاقه و فعال بودن روسیه در بالاترین سطح و حاکی از آن است که‏ روسیه می‏خواهد شرایط با پرداخت هزینه کمتر به نتیجه‏ دلخواه برسد.

موضوع هسته‏ای ایران،پس از پایان جنگ سرد،شاید نخستین موضوعی است که امکان ایفای نقش بین‏المللی‏ درخور را برای روسیه پدید آورده است و این نکته‏ای است‏ پوتین بدان واقف است.انتقاد جدی پوتین در کنفرانس امنیتی‏ وین از رفتارهای سیاسی دولت بوش،که آن‏ها را موجب‏ بحران در مناطقی از جهان می‏داند،توجه بسیاری از کارشناسان را جلب کرده است.این کارشناسان در تفسیرهای خود از اعتماد به نفس جدید روسیه یاد کرده‏اند؛ اعتماد به نفسی که در پی رشد اقتصادی سال‏های اخیر، بهبود موقعیت این کشور در معادلات جهانی انرژی و ثبات‏ چند سال گذشته به دست آمده است.به اعتقاد این‏ کارشناسان روسیه،به ویژه به دلیل عدم دریافت کمک‏های‏ کافی،از غرب گله‏مند است و به حاشیه راندن این کشور احساسات ناسیونالیستی را در آن برانگیخته است.از همین‏ رو و باتوجه به موقعیت سیاسی نسبتا باثبات و مستحکم‏ پوتین در سیاست داخلی روسیه،این کشور اکنون خواستار جایگاه بهتری برای خود است.اگر این فرضیه درست باشد، حل مسأله هسته‏ای ایران از طریق مذاکره با حضور موثر روسیه،بدون شک به ارتقاء جایگاه آن کشور کمک خواهد کرد.

حضور موثر ومثبت روسیه در موضوع هسته‏ای ایران‏ می‏تواند روابط دو جانبه دو کشور را از سایه تاریخی‏ تهدیدها،تردیدها و عدم اعتمادها خارج کند و در مدار تازه‏ای برای یک برقراری ارتباط اقتصادی و سیاسی سازنده‏ و بادوام قرار دهد.برقراری چنین ارتباطی برای روسیه در منطقه خاورمیانه مهم و فرصتی یگانه است؛به ویژه در زمانی‏ که بیشتر موقعیتهای روسیه از دست رفته‏اند.همچنین‏ حضور روسیه از یکجانیه‏گرائی آمریکا در منطقه خواهد کاست،موازنه از دست رفته را تا حدی برقرار خواهد کرد و امکان هماهنگی بهتری را در زمینه انرژی فراهم خواهد آورد.

به طور خلاصه ظرفیت برقراری روابط میان ایران و روسیه‏ در زمینه‏های مختلف از جمله نظامی،هسته‏ای،تجاری، آموزشی،سیاسی و استراتژیک بسیار قابل توجه است و منافع بی‏شماری را برای هر دو طرف دربردارد.شاید درک‏ چنین موضوعی بوده است که در سال گذشته سیاست‏های‏ روسیه در قبال پرونده هسته‏ای ایران در بعضی مقاطع‏ متفاوت‏تر از آنچه بود که اغلب کارشناسان در ایران انتظار داشتند.بر این اساس پرسش مهم پیشاروی ما در سال 1386 رفتار روسیه جدید تحت رهبری پوتین است و اینکه آیا روسیه ظرفیت و قابلیت موفقیت در این عرصه را خواهد داشت؟